

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	-------	------

## بررسی موارد، احکام و آثار ارتداد از دیدگاه صاحب جواهر و حقوق کیفری ایران

آقای دکتر میرزا علی کنابی، آقای دکتر محمدجواد علی نژاد و آقای سید امیر دبیری

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

دکترای فقه و اصول، کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی، محقق و پژوهشگر و مدرس حوزه فقه و حقوق کیفری، ایران. حوزه علمیه قم

طلبه و دانش پژوه سطح چهارم (دکتری فقه و اصول، حوزه علمیه قم)

### چکیده

لغت ارتداد از نظر لغویون به معنای رجوع و بازگشت می باشد. مرتد شخصی است که بعد از روشن شدن حقیقت و گرویدن به دین، از روی لجاجت و کینه ورزی و با هدف تضعیف دین به انکار حق می پردازد و الوهیت خداوند متعال و یا نبوت رسول گرامی اسلام (ص) را منکر می گردد. این موضوع بوسیله اسلام تاسیس نشده بلکه در ادیان الهی دیگر هم سابقه داشته است. حکم ارتداد یکی از فروع مسلم فقهی اسلام است که بر اساس آن فرد مرتد به مجازات های سنگین از حبس تا اعدام محکوم می شود در این پژوهش جایگاه ارتداد از نظر صاحب جواهر مورد بررسی قرار می گیرد. یافته ها حاکی از آن است که ایشان، مرگ و قتل مرتد را پذیرفته و درباره حکم مرتد فطری با مرتد ملی تفاوت قائل شده و در مورد مرتد ملی نوعی تخفیف داده است چرا که خطر مرتد فطری بیشتر از مرتد ملی است. به نظر او مرتد فطری چون قبلاً مسلمان بوده تأثیرات منفی بیشتری می تواند در جامعه و در بین مسلمانان بجای بگذارد. در صورتی که در مرتد ملی بخاطر عدم سابقه در اسلام و عدم اشتها در بین مسلمانان خواه ناخواه اثرگذاری کمتری دارد. بنابراین اسلام به این شخص فرصت می دهد که با توبه دوباره به آغوش اسلام برگردد. طبیعی اسلام در مورد کسانی که اسلام را پذیرفته و بعد عدول کرده اند سختگیری زیادتری داشته باشد. ولی در مورد کسانی که اسلام را پذیرا شوند سپس عدول کنند فوق العاده سختگیر است و این مساله بی دلیل نیست و منافاتی هم با آزادی و اختیار و تحمیل عقیده ندارد.

واژگان کلیدی: ارتداد؛ مرتد فطری؛ مرتد ملی؛ جواهر الکلام؛ حقوق کیفری ایران

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

## **Examining the cases, rulings and effects of apostasy from the point of view of the jewel owner and Iranian criminal law**

Mirza Ali Kitabi, Mohammad Javad Alinejad, and Seyyed Amir Dabiri

### **Abstract**

According to linguists, the word apostasy means turning back. An apostate is a person who, after learning the truth and converting to religion, denies the truth out of stubbornness and malice with the aim of weakening the religion, and denies the divinity of God Almighty or the prophethood of the beloved Messenger of Islam (PBUH). This issue was not established by Islam, but it has a history in other divine religions. The verdict of apostasy is one of the Muslim jurisprudential branches of Islam, according to which an apostate is sentenced to severe punishments from imprisonment to death. The findings indicate that he accepted the death and killing of the apostate and differentiated between the sentence of the natural apostate and the national apostate and gave a discount on the national apostate because the danger of the natural apostate is greater than that of the national apostate. In his opinion, a natural apostate, because he was a Muslim before, can leave more negative effects in society and among Muslims. In the case of the national apostate, due to the lack of history in Islam and the lack of fame among Muslims, it is less effective. Therefore, Islam gives this person the opportunity to repent and return to the embrace of Islam. It is natural for Islam to be more strict about those who accepted Islam and then apostatized. But in the case of those who accept Islam and then apostatize, it is extremely strict, and this issue is not without reason, and it does not conflict with freedom, discretion, and imposition of opinion.

**Keywords:** apostasy; natural apostate; national apostate; Jawaharlal Kalam; Iran's criminal law

## متن مقاله

### معنای لغوی

لغویون عرب زبان با تعابیر نزدیک به هم در مورد معنای لغوی ارتداد سخن گفته اند. ابن فارس در «معجم مقاییس اللغة «می گوید»: راء و دالّ اصل واحدی که دلالت بر رجوع کردن چیزی دارد... مرتدّ را مرتد می گویند؛ زیرا خودش را به کفر برگردانده است. الارتداد فی اللغة هو الرجوع، ومنه المرتدسمی المرتدّ لانه ردّ نفسه الی کفره). ابن فارس، (۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۸۶).

در مفردات آمده است: «الارتداد و الردّة الرجوع فی الطریق الذی جاء منه لکن الردّة تختصّ بالكفر و الارتداد يستعمل فيه و فی غیره) «راغب اصفهانی، (۱۴۰۰ق: ۳۴۸). ارتداد و ردّه به معنی برگشتن در همان راهی است که از آن راه آمده است، اما ردّه مختص به بازگشت به کفر است اما ارتداد هم در بازگشت از دین به کفر به کار می رود و هم در غیر از آن.

راغب در ادامه به تحلیل معنای لغوی با استشهاد به آیات قرآن پرداخته و می گوید: «ردّ به معنای بازگرداندن چیزی است به ذاتش، یا به حالتی از احوالش... از موارد ردّ به ذات این قول خداوند است: «وَلَوْ رَدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ» (انعام/ ۲۸) و اگر بار دیگر هم (به دنیا) برگردند باز همان اعمال زشتی را که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد. یعنی به همان ذات و خصیصه قبلی خود بازمی گردند و باز مرتکب شرک و عصیان و تکذیب شوند.

و از موارد ردّ به حالت دیگر، این قول خداوند است: «يَرُدُّوْكُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ» (آل عمران/ ۱۴۹) شما را (از دین اسلام) باز به کفر برمی گردانند، و ارتداد و ردّه به معنای بازگشت به آن راهی است که از آن آمده است ولی ردّه اختصاص به رجوع به کفر دارد و ارتداد در کفر و غیر کفر هر دو به کار می رود). (راغب اصفهانی، ۱۴۰۰ق: ۳۴۸).

یکی از موضوعات مهم و تاثیر گزار و چالشی در جامعه، مساله ارتداد و مسائل پیرامونی آن است. اهمیت این موضوع با توجه به حوادثی که این روزها دامنگیر جهان اسلام بلکه جهان شده و پیدایش و رشد قرائت های خشن و تکفیری از اسلام رادر پی داشته، بیشتر در کانون توجهات قرار گرفته است. عده ای با دستاویز قرار دادن این موضوع، به راحتی مخالفین خود را متهم به ارتداد کرده و خون او را مباح می دانند. بنابراین تحقیق و تفحص و انتخاب عقیده نه تنها ممنوع نیست، بلکه مورد دعوت و تأکید اسلام است. تغییر عقیده هم به خودی خود مستوجب کیفر و حدی نیست.

همان گونه که بیان عقیده نیز در اصل آزاد است، ولی بدون شک هر آزادی، حدودی دارد. دین اسلام برنامه جامع و کامل برای تکامل انسان است و با تعالیم سازنده خود اعم از اصول اعتقادی، اخلاق و احکام متضمن سعادت دنیوی و اخروی بشر است. اسلام آموزه های خود را بر اساس آزادی فکر، و اهتمام به عقل و عقلانیت مبتنی ساخته است. یکی از موضوعات که در آیات و روایات بازتاب قابل توجهی دارد مساله ارتداد است. این مساله از برنامه های امضایی اسلام است به این معنا که در ادیان دیگر هم مطرح بوده و اسلام آنرا تایید کرده و امضاء نموده است. بنابراین، خود اسلام آنرا ابداع و تاسیس نکرده است. موضوع ارتداد از دیرباز مورد توجه فقها و دانشمندان بوده و هست و آثار زیادی در مورد آن به رشته تحریر در آمده است. در این میان تعریف و تحلیل صاحب جواهر دارای ارزش و اعتبار خاصی است. گرچه در لابلای مباحث صاحب جواهر سعی می شود که مطالب مستحدثه و مغفول عنه هم مورد واکاوی قرار گیرد.

هو الذی یکفر بعد الإسلام) «انصاری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۴». مرتد کسی

و بنا به تعریف ابن قدامه از فقهای اهل سنت: «المرتد هو الراجع عن دین الاسلام الی الکفر». «ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۴». مرتد کسی است که از دین اسلام به کفر بازگردد

در کتاب فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام آمده است که: «ارتداد را به معنای بازگشت و رویگردانی از اسلام و پذیرش کفر دانسته‌اند و به مسلمانی که از آیین اسلام خارج شده «مرتد» گفته می‌شود». هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۶۶) واژه ارتداد ریشه قرآنی دارد. در فقه بحث ارتداد در باب حدود می‌آید و از آن به مناسبت در باب‌هایی مانند طهارت، صلاه، زکات، صوم، حج، تجارت، نکاح و ارث سخن گفته‌اند. برخی نیز در باب مستقلی تحت عنوان «کتاب مرتد»، از آن بحث کرده‌اند. همان)

شهادت اول در کتاب دروس، ارتداد را اینگونه معرفی می‌کند: «قطع الاسلام الرجوع عن الاسلام، کفر المسلم، اظهار شعار الکفر بعد الایمان، الخروج عن الاسلام والکفر بعد الاسلام». عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۱) و شهید ثانی در شرح لمعه گوید: «الارتداد. وهو الکفر بعد الاسلام أعادنا الله مما یوبق». (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۹: ۳۳۲)»

کلینی، ارتداد را در اصطلاح عبارت است از اظهار شعار کفر بعد از ایمان آوردن با انکار یکی از ضروریات دین می‌داند: «الردة إظهار شعار الکفر بعد الایمان بما یکون معه منکر نبوة النبی صلی الله علیه وآله أو شیء من معلوم دینه كالصلاة و الزکاة و الزنا و شرب الخمر». (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۲۱)

ابن عربی عارف پرآوازه و پدر عرفان نظری، مرتد را کسی می‌داند که سخنان کفر آمیزی می‌زند که حاکی از کفر درونی اوست. پس غضب و عذاب سوزان الهی بر او باد. مگر از روی اکراه باشد: «المرتد هو الذی

تاج العروس، ارتداد را به معنای بازگشتن، می‌داند و مصدر باب افتعال از ماده «ر د د» (به معنای بازگرداندن است. و «ر د ه» (به معنای بازگشت، اسم این مصدر استارتد، و ارتد عنه: تحوّل، و منه الردّة عن الإسلام، أي الرجوع عنه، و ارتد فلان عن دینه، إذا کفر بعد إسلامه)، (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۹۰)

، در مجمع البحرین آمده است: «المرتد من ارتد عن الإسلام إلى الکفر وهو نوعان فطری و ملی» (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۹) مرتد کسی است که از اسلام بسوی کفر خارج می‌شود و به فطری و ملی تقسیم می‌گردد. قاموس المحيط دیگر کتاب لغت عرب، ارتداد را رجوع و بازگرداندن تعبیر می‌نماید: «والارتداد: الرجوع». (الشیء) «فیروزآبادی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۴)

و صحاح اللغة هم معنای مشابهی را قاموس گفته می‌آورد: «والارتداد الرجوع، و منه المرتد. واسترده الشیء» (جوهری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۷۳) و مصباح المنیر هم نظر ایرین راپسندیده و ارتداد را بازگشت به کفر می‌داند: «ارتد الشخص: رد نفسه الی الکفر» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۷۳)

از مجموع آنچه گذشت استفاده می‌شود که بیشتر کتابهای لغت واژه ارتداد را برگشتن از چیزی تعبیر کرده اند، چه این بازگشت از سفر باشد، و یا از دین. منتها در این پژوهش معنای ارتداد به معنی بازگشت از دین را انتخاب کرده ایم

معنای اصطلاحی

در اصطلاح فقها و متکلمان اسلامی، ارتداد به معنای روی گردانی فرد مسلمان از دین اسلام و پذیرش دینی دیگر است. امام خمینی می‌گوید: «المرتد هو من خرج عن الاسلام و اختار الکفر» «مرتد کسی است که از اسلام خارج شود و کفر را برگزیند» (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۶۶). و انصاری می‌گوید: «وعند الفقهاء یطلق علی الکفر بعد الإسلام فالمرتد

است و مرتد کسی است که به آیین اسلام، بعد از پذیرش، پشت کرده و، دین و آیین دیگری را پذیرفته باشد، عبارات، کفر المسلم اظهار شعار کفر بعد الایمان، خروج از اسلام، کفر بعد الاسلام، یکفر بعد الاسلام ارتد عن الإسلام وخرج عن دین الإسلام همه بر یک معنا بیشتر دلالت نمی کند

زندگی صاحب جواهر

نام کامل اوشیخ محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبد الرحیم بن آقا محمد بن ملا عبد الرحیم - شریف اصفهانی، مشتهر به صاحب جواهر الکلام از ارکان علمای امامیه و اساطین فقهای اثنی عشریه است. مراتب کمالات عالییه او مسلم عامه و خاصه، ریاست مذهبی علمی عموم امامیه از عرب و عجم بدو منتهی، از تلامذه سید جواد عاملی، صاحب مصباح الکرامه، شیخ جعفر کاشف الغطاء و پسرش شیخ موسی میباشند. مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۵۷. او افتخاری برای جهان تشیع است که از با نو آوری و خلاقیت خود حوزه های علمیه را تحت تاثیر قرار داد و توانست به حرکت علوم دینی شتاب و تعمیق بیشتری بدهد. زمان دقیق تولد شیخ محمد حسن معلوم نیست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳)، و گفته اند که زادروز ایشان بین سالهای ۱۱۹۲ تا ۱۲۰۲ هجری قمری است (انصاری قمی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۸)، (اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۹)، (قمی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۲۶). منتها محمد رضا مظفر در مقدمه جلد اول کتاب جواهر الکلام، تاریخ ۱۱۹۲ را قریب به صواب وقوی تر می داند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳)

شیخ باقر نجفی والد معظم او هم به زهد و تقوا در میان مردم اشتهار داشت و در کسوت روحانیت قرار داشت. او بعدا با بانویی از سادات آل حجاب - که در حوالی حله بنام عذارات سکونت داشته‌اند - ازدواج می‌کند (اسلامی، ۱۹: ۱۳۷۳) برادر صاحب جواهر، شیخ محمد حسین نیز از فضلالی مشهور نجف بوده است (قمی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۵۵)

جَرَى بِالْكَفْرِ لِسَانَهُ، مُخْبِرًا عَمَّا انشَرَحَ بِهِ مِنَ الْكُفْرِ صَدْرُهُ، فَعَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُصْبُ، وَلَهُ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ، إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ ( «ابن العربی (ق، ج ۳: ۱۴۰۸۱۵۹،

وفقیه و مفسر نامدار شیعه آیت الله العظمی خوبی در کتاب منهاج الصالحین مرتد را خروج از اسلام به همان تعبیری که گذشت دانسته است: «المرتد عبارة عن خروج عن دين الإسلام» (الخوئی، ۱۴۲۴ق، ج ۳: ۵۳)

علامه حلی در کتاب قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام معتقد است: «و هو الّذی یکفر بعد الإسلام، سواء كان الكفر قد سبق إسلامه أو لا». (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۷۳). مرتد کسی است که بعد از اسلام کفر ورزیده و از دین برگشته است. فرقی نمی کند از قبل کافر بوده و بعد مسلمان شده و یا از اول مسلمان بوده است

در کتاب اعیان الشیعه ذکر لسانی که قلبی هم نباشد و حتی گفتاری کفر آمیز که از روی شوخی و بازی هم باشد ارتداد تلقی می شود: «ذکر العلماء فی کل مذهب باب المرتد و هو المسلم الذی یکفر بعد إسلامه و ذکروا أنواعا کثیرة کل منها یکفر و یحل دم الرجل و ماله حتی انهم ذکروا أشياء یسیره عند من فعلها مثل کلمة یذکرها بلسانه دون قلبه أو علی وجه المزج و اللعب» (امین عاملی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۷۶)

برخی از فقها ضمن اینکه ارتداد را در اصطلاح شرع و متشرع به بازگشت از اعتقاداتی که شخص برگزیده است و پذیرش کفر بعد از اسلام معرفی می کنند آن را بدتر و بزرگتر از همه کفر ها و بیشترین ظلم و سخت تریت کیفر می دانند

در جمع بندی از تعاریف اصلاحی گفته شده باید گفت که، معانی اصطلاحی قرابت زیادی به همان معانی لغوی دارد و چنانچه فقها و مفسرین اشاره کردند، در فقه اسلامی ارتداد به معنای بازگشتن از اسلام

#### مفهوم ارتداد

از نظر صاحب جواهر تعریف مرتد همان تعریف معهود و مشخصی است که فقها به آن اشاره کرده اند در کتاب حدود و تعزیرات این بحث با تفصیل بیشتری نسبت به کتابها و قسمت های فقه مطرح شده است. از نظر او: «مرتد کسی است که پس از مسلمانی کافر شده است. چه قبلا کافر بوده و مسلمان شده بود و مجددا کافر شده (مرتد ملی) (و چه از اول مسلمان بوده و حالا کافر شده است) (مرتد فطری) (کافر شدن پس از مسلمانی) (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۰۰). ایشان اول به مرتد فطری می پردازند و بعد از آن کنکاش جوانب آن به مرتد ملی می پردازند.

#### اسباب ارتداد

هر گفتار و کرداری موجب ارتداد نمی شود. مواردی که باعث این موضوع می شود در کتب فقهی معلوم و روشن است از آن جمله: انکار خداوند توحید، رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله یا تکذیب آن حضرت، انکار ضروری دین، همچنین با کارهایی که بر استهزا و اهانت به دین و رویگردانی از آن دلالت کند، مانند پاره کردن و انداختن قرآن در جای آلوده و کثیف، اهانت به کعبه و کرنش در برابر بت محقق می شود صاحب جواهر می گوید: ارتداد متحقق می شود با بینه (شهادت افراد بر ارتداد کسی، با اقرار شخص مرتد، با هر فعلی که دلالت صریح بر مسخره کردن دین دارد) مثل تلویث کعبه و (... و با سخنی که دلالت صریح بر انکار ضروریات دین دارد و بلکه ارتداد ظاهرا حاصل می شود با انکار ضروری مذهب) مثل متعه (برای کسی که شیعه باشد) (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۰۰). مضبوط بودن مصادیق ارتداد باعث می شود که براهتی نتوان اتهام و برچسب ارتداد به کسی تحمیل کرد علاوه بر انکار ضروری دین، انکار ضروری مذهب هم از مولفه های اثبات ارتداد است چنانچه صاحب جواهر اذعان دارد: «بلکه اگر پیرو

شیخ محمد حسن در حوزه علمیه نجف دروس مقدماتی را نزد استادانی همچون سید حسین شقرایی عاملی و شیخ قاسم آل محی الدین و شیخ حسن متوفی گذراند: (اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۹). سپس دروس تکمیلی را از خرمین علوم اساتیدی همچون، سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه، شیخ جعفر نجفی صاحب کشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء، استفاده کافی و وافی برد. (امین عاملی، ۱۴۲۱، ج ۹: ۱۴۹).

صاحب جواهر دارای آثار ارزشمندی است که مورد مراجعه و استفاده طالبین معارف و حیانی می باشد از جمله آنها جواهر الکلام مهمترین و تأثیرگذارترین اثر صاحب جواهر است. این کتاب منبعی جامع در فقه استنباطی بوده که نظیر آن تاکنون به تحریر در نیامده است.

نقل اقوال فقهاء و استدلال دقیق از نکات عمده قابل توجه در جواهر است. این کتاب در بیان تمام فروع فقهی همانند بحار الانوار علامه مجلسی است. شیخ محمد حسن در ۲۵ سالگی مشغول به تألیف شد و حدود سی سال از عمر خویش را صرف این اثر نمود و به سبب همین تألیف سترگ، ملقب به شیخ الفقهاء شد. این کتاب سرانجام در سال ۱۲۵۷ (۱۳۶۹، ج ۳: ۳۷۵) ق. به اتمام رسیده است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۷۵).

در اعیان الشیعه آمده که برخی از حکماء نقل می نمایند، اگر مورخ زمان صاحب جواهر بخواهد، حادثه عجیبی از روزگارش را بنویسد، چه چیزی شگفت انگیزتر از تألیف این کتاب می تواند باشد! امین عاملی، ۱۴۲۱ (ق، ج ۹: ۱۴۹). سرانجام، پس از عمری پر برکت، این فقیه جاودان در شعبان سال ۱۲۶۶ هـ در نجف اشرف دار فانی را وداع گفت و در مقبره ای که هم اکنون به نام او معروف است، مدفون گردید آرامگاهش در محله عماره، زیارتگاه خاص و عام (گردید). (قمی، ۱۳۸۵: ۴۵۲).

ارتداد از نظر صاحب جواهر

پس روایت درباره ضروریات مذهب نیست؛ هیچ مسلمانی نباید کینه و عداوت اهل بیت را داشته باشد و بر همه مسلمانان واجب است که به اهل بیت پیامبر محبت و مودت داشته باشند. آنچه از ضروریات مذهب است، امامت و عصمت ائمه است. پس روایت بر مدعای صاحب جواهر منطبق نیست. در مقابل صاحب جواهر، برخی مانند سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، در کتاب مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام معتقدند که انکار ضروری مذهب، اگر به انکار رسالت و توحید بیانجامد، موجب کفر است: (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۹۰). ایشان بعد از مناقشه در نظر صاحب جواهر می گویند

بنابراین اگر امر قطعی را که از پیامبر رسیده انکار کرد، مرتد می شود و با این کار کافر می شود؛ زیرا پیامبر را تکذیب کرده است؛ اما حکم کفر بر او، متوقف است بر اینکه آن مطلب انکار شده از ضروریات دین باشد. اگر منظور صاحب جواهر این باشد که توضیح داده شد، همان قول مخالف ایشان است و اگر غیر از این را اراده کرده اند، دلیل کافی بر این مطلب ندارند) (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۹۰).

اما یک نکته دقیقی را صاحب جواهر مطرح کرد و آن اینکه آیا انکار ضروری بطور مطلق باعث کفر است یا در وقتی که این انکار ضروری دین، حاکی از قبول نداشتن مثلاً توحید یا رسالت است؟

ایشان برای تحلیل نظر اول روایتی را نقل می کنند که حاکی از این است که شخص باید بداند که این انکار به انکار ضروری منجر می شود: امام صادق علیه السلام در روایت فضل بن یسار فرمودند: در کوفه دو نفر مسلمان بودند که یک نفر مرد نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و شهادت داد که دیده که دو نفر بت را سجده می کند. امیرالمومنین علیه السلام فرمود شاید آنان اشتباه می کنند. حضرت کسی را فرستاد که کار آن دو را ببیند آن کس رفت و دید که به سوی بت نماز می خوانند آنان را پیش

مذهبی است یکی از ضروریات مذهبی را انکار کند مرتد است. مثلاً اگر یک نفر شیعه حلال بودن متعه را انکار کند مرتد می شود چون در مذهب شیعه (دین، حلال بودن متعه است لذا انکار آن انکار دین است بخشی از مباحث فقه در موضوع ارتداد تحت عنوان بررسی انگیزه ها. بی است که ارتداد را عینیت می بخشد

شاید انکار امامت یکی از امامان علیهم السلام نیز موجب ارتداد است. محمد بن مسلم در روایتی می گوید خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم کسی یکی از شما را انکار کند حالش چگونه است؟ فرمود هر کس امامی را از امامان انکار کرده از او و از دین او اظهار بیزار می کند و او کافر و مرتد از اسلام است زیرا امام از جانب خداست و دین امام هم دین خداست و هر کس از دین خدا بیزار می کند خودش حلال است. «مگر اینکه از سخنی که گفته برگردد و توبه کند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۰۲). از ویژگیهای جواهر مستند کردن نظرات با روایات صحیح از معصومین علیهم السلام است که در جای جای جواهر مشاهده می شود. موارد و مصادیق ذکر شده با معانی گوناگون در حقیقت به یک اصل بر می گردد و آن رویگردانی از اسلام است. آیه مبارکه «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خداوند قومی را به یاری اسلام برمی انگیزد، که خدا دوستشان دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند. صراحتاً به همین برگشتن از دین صراحت دارد

در این حدیث، امام باقر - علیه السلام - کسی را کافر و مرتد دانسته است که امام را انکار کند و علاوه بر انکار، از او و دین او بیزار می جوید روشن است که این اشاره دارد به یکی از ضروریات دین که حب اهل بیت - علیهم السلام - و مودت ایشان است و در قرآن نیز به آن تصریح شده است: «قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فی القربی

نیست همین اعتقادش او را از دین اسلام خارج می‌کند. همان (و قید نفرمود بشرط اینکه بداند این گناه کبیره از ضروریات دین است ج: عبدالرحیم القصیرمکاتبه‌ای مفصل با امام دارد در آن مکاتبه امام فرمود چیزی که انسان را از اسلام به کفر می‌برد جحد و انکار یک حکم و حلال دانستن حرام است یعنی چیزی که حلال است را می‌گوید حرام است و چیزی را که در اسلام حلال است می‌گوید حرام است. و این را دین خودش قرار می‌دهد و اعتقادش بر این می‌شود). حر عاملی، ۱۰۴۳، ج ۱، ۲۸:۳۵۴). (نجفی، همان، ص ۳۴)

اینجا نیز مطلق است قید نفرمود بشرط اینکه بداند یا بشرط اینکه انکارش برگشت به انکار نبوت داشته باشد

این را هم باید گفت که سبب های دیگری هم در منابع فقهی گفته شده اما چون تمرکز این مقاله بر کتاب جواهر است از ذکر آن خوداری می‌کنیم.

#### انواع مرتد

از نظر صاحب جواهر، مرتد بر دو قسم است. قسم اول کسی است که از پدر و مادر مسلمان یا یکی از آنان) از پدر مسلمان و مادر کافر یا مادر مسلمان) به صورت شبهه یا اکراه (وپدر کافر) به دنیا آمده و پس از بلوغ (و عمل بر احکام اسلامی) مرتد شده است که به او مرتد فطری می‌گویند). (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۴۱:۶۰۲)

امام صادق علیه السلام در روایت موثقه ساباطی می‌فرماید: هر مسلمانی که از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمده و در برخی از نسخه های روایت هر مسلمانی که از مسلمان دیگری به دنیا آمده اگر از اسلام مرتد شد (و محمد) ص) و نبوتش را انکار و تکذیب کرد خون او بر هر کسی که ایتن سخن را از او شنید حلال است. زنش همان روز مرتد شدنش از او جدا می‌شود و ما او را قبول نداریم. اموالش در میان ورثه (مسلمانان) تقسیم

امیر المومنین آورد. امیرالمومنین به آنان گفت که توبه کنند حاضر به توبه نشدند حضرت دستور داد گودالی کنند و آتش افروختند و آنان را به آتش انداختند. آنطور که در متن جواهر فهمیده می‌شود، فاضل اصفهانی در کتاب کشف الثام قول دوم را قبول دارد. مرحوم صاحب جواهر در رد (قول کشف الثام) قول دوم (که قید «مع علمه بذلک» را اضافه کرده بود می‌گوید: «انه مخالف لاطلاق الفتاوی این قید» مع علمه «مخالف با فتاوا و اطلاق کلمات فقها است). (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۴۱:۶۰۲). و این که فقهاء در مرتد شدن به انکار ضروری اکتفاء کرده اند صراحت در این دارد که خود انکار ضروری موجب کفر است. مخصوصا که فقهاء بعد از آن می‌گویند انکار ضروری چه از روی عناد و چه از روی اعتقاد و یا از روی مسخره کردن باشد در هر صورت موجب ارتداد است و این که فاضل اصفهانی در کشف الثام می‌فرماید اگر کسی ندانسته ضروری را انکار و یا باطلی را اقرار کند مرتد نمی‌شود، گفته ضعیفی است). (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۴۱:۶۰۲).

صاحب جواهر برای اثبات نظریه خود (نظر اول) می‌گوید اگر کسی منکر ضروری شد کافر است و هیچ شرطی ذکر نشد و سپس سه نمونه از روایات را نقل می‌کند

الف: حکم کسی که ماه رمضان افطار بکند را از امام پرسیدند امام فرمود: یسئل من انه لم یفطر «از او سوال می‌کنند چرا افطار می‌کنی» فان قال «حلال، یقتل» اگر گفت روزه خوردن حلال است، روزه را ما قبول نداریم مرتد می‌شود و قتلش واجب می‌شود. و نفرمود از او پرسند که می‌دانی وجوب روزه ضروری دین است یا نه اگر گفت می‌دانم آن وقت بگوییم. (یقتل) «حر عاملی، ۱۰۴۳، ج ۱، ۳۳:۳۳»

ب: صحیححه عبدالله بن سنان امام صادق (ع) فرمود یک گناه کبیره‌ای را مرتکب می‌شود اعتقادش این است که این حلال است و گناه کبیره

فرقی ندارد یا از این جهت که اغلب بچه ها پس از انعقاد نطفه شان سقط نمی شوند و سالم به دنیا می آیند و انعقاد نطفه نیز مجازا تولد استدر این صورت مسلمان بودن پدر و مادر طفل در حال انعقاد نطفه اش برای مسلمان فطری بودن طفل کافی است هر چند هنگام ولادت مرتد باشند همچنین اگر هنگام انعقاد نطفه اش پدر و مادر کافرند گرچه موقع تولدش مسلمان شده بودند آن طفل بر فطرت اسلام نیست. سخن ما در مسلمان بودن یا نبودن او هنگام بلوغ است که ملاحظه کردید روایاتی داریم که ظاهرشان مسلمان بودن او در زمان بلوغ و دلایل دیگری را نیز در ترجیح آن خواهید دید. خدا داناست). نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴:۴۱ (۶۰۴:۴۱)

#### ارتداد غالی

موضوع غلو و غالیان از دیر باز مورد بحث عالمان شیعه و سنی بوده است. به گفته شهرستانی، غالیان آن کسانی اند که درباره امامان خود از اندازه فراتر رفتند و آنان را از حدود آفریدگانی الهی فراتر بردند و درباره آنان به احکامی که ویژه خداوند است، گراییدند). شهرستانی، بی تا، ج ۱: ۱۷۳) یا به دیگر سخن، درباره امامان از مرز عقل و ایمان تجاوز کردند و امامان را خدا پنداشتند، یا بدان اعتبار که آنان انسان هایی متصف به صفات الوهیت هستند و یا بدان اعتبار که خداوند در نهاد بشری آنان حلول کرده است). ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۱۹۸)

صاحب جواهر غلات را کسانی می داند که درباره ائمه تا حد ادعای ربوبیت زیاده روی کردند. به نظر وی تنها اختلافی که در این بحث بین فقهای شیعه وجود دارد، این است که آیا غلات از کافران بالذات هستند یا اینکه به دلیل انکار ضروری دین کافر شده اند؟ به نظر او ظاهر کلمات بیشتر علمای شیعه، بلکه صریح آن در این است که کفر آنها به دلیل انکار ضروری دین است؛ چرا که غالیان اصل الاهیت و صانع را انکار نکرده اند؛ بلکه تنها مدعی آن اند که امیرالمومنین صانع عالم است

می شود، زنش عده وفات نگه می دارد و بر امام مسلمین واجب است که او را بکشد، توبه هم نمی خواهد). نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴:۴۱ (۶۰۳:۴۱)

خلاصه کسی که از پدر و مادر مسلمان یا یکی از آنها حتی از مادر مسلمان متولد شده و در موقع بلوغ هم مسلمان بوده در مسلمان فطری بودن چنین شخصی تردیدی نیست بلکه حتی اگر پس از انعقاد نطفه او پدر و مادرش مرتد شدند نیز او بر فطرت مسلمانی است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴:۴۱). بله اگر نطفه او در حال کافر بودن پدر و مادرش بسته شده هر چند که پدر و مادرش هنگام تولد او مسلمان شوند آن شخص مسلمان فطری نیست چون سابقه او کفر بوده (بر خلاف قبلی (و فطرت و ابتدای او از اسلام نبوده است. اگر نطفه کسی در حال مسلمان بودن پدر و مادرش منعقد شده ولی هنگام ولادت هر دو یا یکی از آنها مرتد شود بچه که بر فطرت مسلمانی بوجود آمده مسلمان فطری است و از کفر پدر و مادرش پیروی نمی کند). نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴:۴۱ (۶۰۴:۴۱) بنابراین مقصود صاحب جواهر از مرتد فطری این است که هنگام انعقاد نطفه فرد، والدین یا یکی از آن دو مسلمان باشند. چنین فرزندی اگر مرتد شود مرتد فطری بوده و بی هیچ شرطی محکوم به قتل می شود است. ایشان به ظواهر روایاتی استناد کرده اند که در آن ها تعابیری چون، «ولد علی الاسلام (و «ولد علی الفطره «آمده است»

صاحب جواهر با اظهار شگفتی در مورد اعتقاد محقق جزایری می گوید: عجیب است که جزایری در رساله خود نوشته است فطری بودن شخص بر مبنای مسلمان بودن پدر و مادرش هنگام ولادت طفل است نه در حال انعقاد نطفه. شاید منشاء اشتباه ایشان این بوده که در بعضی از روایات تولد گفته شده که منظور انعقاد نطفه است نه از مادر زاییده شدن و علت تولد گفتن به انعقاد نطفه این است که اغلب پدر و مادر که در انعقاد نطفه مسلمان بودند در تولد هم مسلمان هستند یعنی تولد با انعقاد

آن است که وقتی می توانیم بر مرتد حکم قتل صادر کنیم که ارتداد به نوعی به یک یا چند شخص اندک اختصاص داشته باشد. بنابراین اگر ارتداد گروهی باشد چگونه با اجرای حکم قتل گروهی می توان راه کفر را مسدود نمود؟ دلیل بر این نظر در روایات وجود دارد نکشتن گروه مرتدان مانند ابن کوا و ابن ابی العوجا. البته عدم کارآیی اجرای حکم قتل گروهی برای جلوگیری از ارتداد هم مزید بر علت است. بر این اساس بعضی از فقها گفته اند: «بوجود چنین جوی، دیگر از انحراف عقیده افراد نمی توان جلوگیری کرد، از این جهت حکم ارتداد بر آنها اجرا نمی گردد» (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۳۲).

مخالفت با نظر شیخ طوسی

صاحب جواهر در ابراز عقیده فقهی خود با قدرت ظاهر شده و مرعوب نظرات استوانه های فقهی مانند شیخ طوسی نمی شود. بنابراین نظر شیخ را در خصوص بچه ای که نزدیک به بلوغ است را در حکم بلوغ نمی پذیرد و می گوید: «در این مساله مخالف شیخ طوسی در کتاب خلاف است. ایشان مسلمان شدن بچه نزدیک به بلوغ و همچنین مرتد شدن او را پذیرفته به استناد روایتی که گفته اگر بچه نزدیک به بلوغ مرتد شد می خواهند که توبه کند اگر توبه نکرد او را می کشند. شیخ می گوید وقتی پسر بچه به ده سالگی رسید بطور کامل حدود در باره او اجرا می شود. او را برای آدم کشتن می کشند و وصیتش قبول است. لیکن روایت استنادی شیخ اولاً مخالف قواعد است. ثانیاً با روایات صحیحتر و قوی تر از خودش معارض است پس نمی توان به آن عمل کرد». (نجفی، ج ۴۱، ۶۰۹: ۱۳۶۲).

استناد صاحب جواهر، حدیث رفع قلم است، حدیثی مشهور که شیعه و سنی آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنْ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنْ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيْقَ وَعَنْ

(نجفی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۵۰).

صاحب جواهر از قول امام رضا علیه السلام در روایت یزید بن عمر شامی آورده است که: هر کس خیال کند که کارهای ما را خدا انجام می دهد و بعدا هم ما را برای آن کارها عذاب می کند قائل به جبر است و هر کس خیال می کند که خدا کار مردم و روزی مردم را به دست ائمه سپرده است قائل به تفویض است قائل به جبر کافر است و قائل به تفویض مشرک است و روایات دیگر که در آنها به کافر بودن تصریح شده مبنی بر این است که ما گفتیم خود این اعتقاد بدون اینکه انکار ضرورت دین باشد کفر است یا اینکه بگوییم این طوایف نیز منکر ضروری هستند هر چند آن ضرورت مستلزم تکذیب پیامبر (ص) (نیت ولی تعبدا کافر بودن آنها ثابت شده است و شاهد آن نصوص و روایات است). (نجفی، ج ۴۱، ۶۰۷: ۱۳۶۲).

شرایط تحقق ارتداد

برای اثبات مسائلی که برای مرتد بار می شود و از جمله حکم قتل او، شرایطی لازم است صاحب جواهر می گوید: در تحقق جرم ارتداد لازم است که مرتد بالغ و عاقل و مختار باشد. اختلاف مهمی در این مساله وجود ندارد بلکه می توان اجماع فقهاء را در این مساله بدست آورد. بعلاوه شرایطی که گفتیم شرایط عمومی تحت همه جرایم عمدی است. بنابراین کفر گفتن یا فعل کفر بچه اگر چه نزدیک به بلوغ باشد اثری ندارد چون قلم تکلیف تا زمان بلوغ از بچه برداشته شده است ولی او را تنبیه می کنند تا تکرار نکند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۰۹).

اما نکته و شرطی که از نظر صاحب جواهر مغفول مانده است، شرط پنجم شرایط فوق، یعنی فردی بودن است. توضیح آنکه، با تدقیق در سیره معصومین علیهم السلام می توان شرط دیگری را هم بر شرایط سنتی در کتب فقهی افزود و آن فردی و غیر جمعی بودن ارتداد است. واقعیت

امام صادق علیه السلام می فرماید حبس دائم نمی شود جز سه تن. ۱. کسی که مقتول را گرفته و دیگری او را کشته است. ۲. زن مرتده. ۳. دزدی که دست و پای او در دزدی قطع شده است و در روایت صحیح حماد از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: زنی که مرتد شده است او را نمی کشند ولی او را به کارهای سخت و می دارند و به اندازه زنده ماندن به او آب و غذا می دهند و لباسهای خشن به او می پوشانند و در اوقات نمازها او را کتک می زنند. نجفی (ج ۴۱: ۶۱۱، ۱۳۶۲).

مرتد ملی

برخلاف مرتد فطری که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه مسلمان بودند، مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه او کافر باشند و این شخص بعد از بلوغش اظهار کفر نماید و بعد اسلام بیاورد و سپس از اسلام برگردد و اظهار کفر نماید، مثل فرد یهودی که اسلام بیاورد و سپس به دین یهودی برگردد.

نظر صاحب جواهر آن است که: «مرتد ملی، مرتدی است که نخست کافر بوده مسلمان شده سپس از اسلام برگشته است که از او می خواهند توبه کند اگر توبه نکرد او را می کشند در این مساله خلافی نیست علاوه بر روایاتی که برخی از آنها گذشت هر دو قسم اجماع (اجماع منقول و اجماع محصل) برای این مساله موجود است. در این مساله چون در روایات به آن امر شده توبه خواستن از کافر ملی واجب است همانطور که گفتیم اولاً در روایات امر شده، ثانیاً در ریختن خون احتیاط لازم است. مخالف ابوحنیفه و شافعی در یکی از دو قولش است که گفته اند توبه خواستن مستحب است، واجب نیست چون پیامبر گرامی (ص) فرموده است: «من بدل دینه فاقتلوه» هر کس دین اش را عوض کرد او را بکشید». (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۱۳). گفته ابوحنیفه و شافعی این

الطِفْلِ حَتَّى يَحْتَلِمَ؛ نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۸: ۱۳)

قلم تکلیف از دوش سه گروه برداشته شده است: از خوابیده تا زمانی که بیدار شود، از دیوانه تا هشیار گردد و از کودک تا آنگاه که به سن بلوغ برسد. مراد این است که این سه دسته چنانچه قبل از رسیدن به حد تعیین شده، حرامی را مرتکب شوند یا واجبی را ترک کنند، گناهکار تلقی نگشته و کیفر نمی شوند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۶: ۱۰)

ارتداد زن

فقها معتقدند، هر گاه زنی مرتد باشد، خواه به صورت مرتد فطری و چه بصورت مرتد ملی بازداشت می شود و حاکم اسلام مقدمات بازگشت او را به اسلام، فراهم می آورد. ذکر این نکته نیز لازم است که کشته نشدن زن مرتد به این خاطر است (یا حداقل یکی از دلایل آن این است) که زن گرچه یک انسان کامل است، اما به جهت برخورداری از عواطف سرشار، زودتر از مرد، تحت تاثیر قرار می گیرد. به همین جهت در حکم، ارتداد زنان تخفیف صورت گرفته است و البته به دلیل همین عواطف برگشت زن به آئین اسلام نیز راحت تر و سریع تر از مرد خواهد بود.

از آن چه گفته شد روشن می شود که اولاً حکم اعدام تنها برای مرد مرتد است نه زن مرتد، و ثانیاً مرتد ملی نیز در صورت عدم توبه اعدام خواهد شد. نکته دیگر در سبک تر بودن حکم ارتداد زن، همان حکمت و فلسفه پیش گفته است. چرا که خطر زنان و ایجاد تهدید برای حکومت اسلامی به مراتب کمتر از خطر و تهدیدی است که مردان می توانند برای آئین و دولت اسلامی ایجاد کنند

نظر صاحب جواهر در باره ارتداد زن این است که: «اگر زن مرتد چه مرتد فطری و چه ملی زن را نمی کشند به دلیل اجماع منقول و محصل و روایات بلکه او را اگر مرتد فطری باشد حبس دائم کرده و در اوقات نماز به او کتک می زنند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۱۱)

در حوزه قانونگذاری و رویه قضایی ایران مواجه شده است. این مقاله می‌کوشد تا ضمن روشن ساختن مفهوم و مصادیق ارتداد در فقه و حقوق ایران، شرایط تحقق، احکام، آثار و چالش‌های مربوط به اجرای این احکام را با نگاهی تحلیلی و انتقادی مورد بررسی قرار دهد.

#### ۱. نبود عنوان قانونی مستقل

یکی از مهمترین ویژگی‌های حقوق کیفری ایران در حوزه ارتداد، عدم ذکر صریح جرم ارتداد در قوانین جزایی موضوعه و نبود عنوان قانونی، مستقل برای آن است. برخلاف برخی احکام حدودی مانند قصاص، زنا، لواط یا سرقت حدی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به طور مشخص و با تمامی شرایط و مجازات‌ها مورد اشاره و تصریح قرار گرفته‌اند، ارتداد به صراحت در قانون ذکر نشده است. در قوانین جزایی معاصر ایران و به ویژه «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، عنوان مجرمانه‌ی مستقلی تحت نام «ارتداد» پیش‌بینی نشده است. قانونگذار در تدوین قوانین جزایی پس از انقلاب، با وجود تأکید بر مبانی اسلامی و فقه امامیه، جرم ارتداد را به ظاهر به‌طور صریح در زمره حدود یا سایر جرایم وارد نکرده است. این خلأ موجب شده که رویه دستگاه قضایی در قبال موارد ارتداد، عمدتاً مبتنی بر رجوع به منابع و فتاوی معتبر فقهی باشد (۱۴۰۴، موسوی، سید احمد رضا؛ ابراهیم نوروزی و حسینعلی بینا طلبه).

#### ۲. اصل ۱۶۷ قانون اساسی؛ راهکار رجوع به فقه

کلیدی‌ترین مستند برای مواجهه با فقدان عناوین قانونی ارتداد، اصل ۱۶۷: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مقرر می‌دارد «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدون»

ایراد را دارد که فرمایش رسول خدا (ص) مطلق است و روایاتی که توبه خواستن را بیان می‌کنند روایت مطلق مزبور را مقید می‌کنند یعنی روایت این است که پس از توبه خواستن اگر توبه نکرد بکشید). نجفی (ج ۴۱: ۶۱۳، ۱۳۶۲).

#### جایگاه ارتداد در نظام حقوق کیفری ایران

ای عمیق‌ارتداد به عنوان یکی از جرایم خاص در حقوق اسلامی ریشه در نظام فقهی و اجتماعی جوامع اسلامی دارد و بر همین مبنا، مورد توجه قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. در فقه اسلامی، ارتداد - که به معنای بازگشت و خروج فرد مسلمان از دین اسلام یا انکار اصول بنیادین آن است - همواره از جرایم مهم به شمار آمده و به دلیل آثار گسترده اعتقادی، حقوقی و اجتماعی، احکام و مقررات ویژه‌ای پیرامون آن وضع شده است. این جرم از دیدگاه فقه شیعه و منابع معتبر امامیه، انواع، شرایط تحقق و مجازات‌های متفاوتی دارد و در ابعاد خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی زندگی فرد نیز پیامدهای جدی به دنبال می‌آورد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با وجود آنکه عنوان «ارتداد» به عنوان جرم مستقل در قوانین موضوعه نیامده است، اما به استناد اصل قانون اساسی و بر مبنای توجه قانونگذار به مبانی فقهی، در مواردی ۱۶۷، احکام فقهی ارتداد مورد رجوع و اجرا قرار می‌گیرد. به همین دلیل شناخت دقیق مفهوم، اقسام و شروط تحقق ارتداد، بررسی جایگاه آن در قوانین جزایی ایران و تحلیل آثار حقوقی و اجتماعی این جرم، اهمیت بسیاری در دانش حقوق کیفری کشور دارد.

افزون بر آن، امروزه ارتداد به دلایل گوناگون اعم از تحولات اجتماعی و تعارض برخی مقررات فقهی با اصول نوین حقوق کیفری - مانند آزادی عقیده یا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها - با چالش‌هایی

، فلذا اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران، به عنوان پلی میان فقه و حقوق مدون راهکار اصلی برای جبران سکوت قوانین موضوعه درباره ارتداد به شمار می‌رود. این اصل، قضاوت براساس منابع شرعی و فقهی در موارد فقدان قانون را مجاز و حتی لازم می‌شمارد. با وجود این، اجرای مستقیم احکام فقهی در موضوعاتی نظیر ارتداد همواره با چالش‌های حقوقی و انتقادات اساسی همراه بوده است؛ به ویژه از منظر مطابقت با اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، عرف بین‌الملل و حقوق بشر.

### رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی ۳.

در سال‌های نخست پس از انقلاب، به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و منابع فقهی (مانند تحریرالوسیله امام خمینی و جواهر الکلام)، صدور حکم ارتداد و اجرای مجازات‌های مقرر در فقه به صورت محدود اما واقعی سابقه داشته است. با این حال، در دوره‌های جدیدتر و بویژه پس از اصلاح قوانین جزایی (۱۳۹۲ به بعد)، رویکرد دستگاه قضایی غالباً، احتیاط‌آمیز و همراه با محدودیت بوده است. دلیل اصلی این روند افزایش حساسیت‌های داخلی و بین‌المللی نسبت به اجرا یا صدور رأی بر اساس ارتداد و نیز تغییر نگاه به اصولی چون «اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها» (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و لزوم رعایت استناداردهای بین‌المللی حقوق بشر است).

### ارتباط با سایر جرایم و قوانین جانبی ۴.

در نبود تعریف یا جرم‌انگاری مشخص برای ارتداد، برخی رفتارهایی که عرفاً یا فقهی «مصادیق ارتداد» بوده‌اند به موجب مواد دیگر تحت عناوین مجرمانه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از سبّ النبی و سبّ اهل بیت (ع): (مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.م.ا. توهین به مقدسات اسلامی: ماده ۵۱۳ ق.م.ا.

بیابد و اگر نیابد، باید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر «حکم قضیه را صادر نماید.

بدین‌سان، در موارد عدم تصریح جرم ارتداد در قانون، دادگاه‌ها می‌توانند و موظفند بر اساس منابع فقه امامیه و فتاوی مشهور، به تعیین تکلیف بپردازند. این ماده، مبنای اصلی اجرای احکام فقهی (از جمله ارتداد در) نظام کیفری کشور به‌شمار می‌رود.

«توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی و قوانین موضوعه ایران، "ارتداد را به صورت عنوان مستقل جرم‌انگاری نکرده‌اند (نبود نص قانونی)، در موارد طرح دعاوی مربوط به ارتداد یا اتهام افراد به ارتداد، اصل ۱۶۷ راه‌حل جایگزین را در اختیار دادگاه قرار می‌دهد.

قاضی مکلف است پس از جست‌وجو و عدم یافتن حکم صریح در قوانین، به منابع معتبر فقهی (مانند تحریرالوسیله امام خمینی، جواهر الکلام نجفی و سایر کتب فقهی امامیه (یا فتاوی معتبر مراجع تقلید مراجعه کند و بر همان اساس رأی صادر نماید.

### مصادیق عملی و پیامدها

اجرای احکام فقهی: در عمل اگر دادگاهی با موضوع ارتداد مواجه گردد و قانون نسبت به آن ساکت باشد، استناد به اصل ۱۶۷ امکان صدور حکم مانند اجرای حدود شرعی، فسخ نکاح یا سقوط ارث را فراهم می‌کند. انتقادات و چالش‌ها: این قابلیت استناد به فقه، گرچه سازگار با رویکرد اسلامی نظام تقنینی ایران است، اما در تعارض با اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها قرار می‌گیرد. زیرا براساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و اصول مدرن سیاست کیفری، تعیین عنوان جرم و میزان مجازات باید دقیقاً در قانون تصریح شده باشد، و مراجعه به فقه صرفاً نباید موجب صدور حکم حدی گردد.

آثار سیاسی و اجتماعی .

سلب حقوق اجتماعی مانند مشاغل دولتی و سیاسی  
طرد اجتماعی

جمع بندی و نتیجه گیری

ارتداد یکی از حساس‌ترین موضوعات در تقابل فقه اسلامی و حقوق کیفری معاصر ایران است. اگرچه این موضوع در منابع معتبر فقه امامیه به تفصیل بحث و برای آن ضوابط و مجازات‌های خاص تعیین شده، اما قانون‌گذار ایران «ارتداد» را به‌عنوان یک عنوان مستقل در قوانین کیفری درج نکرده است. در نتیجه، نه تعریف قانونی صریح و نه مجازات مشخصی برای این عنوان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود ندارد.

با این وجود، اصل ۱۶۷ قانون اساسی راهکار رجوع به منابع معتبر فقهی را برای قضات پیش‌بینی کرده است. بدین ترتیب در موارد فقدان نص قانونی، دادگاه‌ها می‌توانند بر مبنای منابع فقهی احکام لازم را صادر کنند؛ هرچند این رویکرد با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (ماده ۲ ق.م.ا) و الزامات حقوق کیفری نوین در تعارض است و با انتقاد جدی حقوقدانان و نهادهای حقوق بشری روبه‌رو شده است، در عمل نیز به‌علت ملاحظات داخلی و بین‌المللی و نیز سیاست جنایی حاکم، احکام کیفری مربوط به ارتداد کمتر صادر و اجرا می‌شود و عمدتاً رفتارهایی که مصداق ارتداد تلقی شوند، ذیل دیگر عناوین مجرمانه مانند سب‌النبی

تشویش اذهان عمومی یا جرایم امنیتی

تبلیغ علیه نظام یا مقدسات دینی) براساس قوانین مطبوعات و جرایم (رایانه‌ای

در نتیجه بخشی از آثار جزایی ارتداد، نه با عنوان ارتداد بلکه به موجب عنوانین فوق‌الذکر پیگیری می‌شود

مجازات و احکام کیفری ارتداد

مجازات در فقه شیعه

مرتد فطری مرد: محکوم به اعدام و اموال او به ارث نمی‌رسد (طبق

(جواهر الکلام، تحریرالوسیله امام خمینی

مرتد فطری زن: حبس ابد) بنا بر اکثر فتاوی؛ برخی مجازات اعدام را (مطرح نموده‌اند

مرتد ملی: سه روز فرصت توبه؛ اگر توبه نکرد، مرد اعدام و زن حبس ابد

آثار مدنی و اجتماعی

فسخ نکاح: ازدواج مرتد باطل می‌شود و زن به عده طلاق می‌رود

عدم ارث: مال مرتد فطری به ورثه نمی‌رسد

اموال: بسته به نوع ارتداد، اموال مصادره یا بین امام و بیت‌المال تقسیم می‌شود

آثار خانوادگی .

فسخ فوری ازدواج (طلاق بائن)

حضانة و ولایت بر فرزندان یا اموال ساقط می‌شود

آثار اموالی و حقوقی

رفع مالکیت نسبت به اموال (در برخی اقسام)

عدم اهلیت در معاملات آتی

عدم جواز دفن در قبور مسلمین

در اسلام وعدم اشتها در بین مسلمانان خواه ناخواه اثر گذاری کمتری دارد. بنابراین اسلام به این شخص فرصت می دهد که با توبه دوباره به آغوش اسلام برگردد. طبیعی اسلام در مورد کسانی که اسلام را پذیرفته وبعد عدول کرده اند سختگیری زیادتری داشته باشد. اسلام در مورد کسانی که هنوز اسلام را نپذیرفته اند، سختگیری نمی کند (منظور اهل کتاب است) و آنها را با دعوت مستمر و تبلیغات پی گیر منطقی به اسلام فرا می خواند، هرگاه نپذیرفتند و حاضر شدند طبق شرایط ذمه، همزیستی مسالمت آمیز با مسلمانان داشته باشند نه تنها به آنها امان می دهد بلکه حفظ مال و جان و منافع مشروعشان را بر عهده می گیرد. ولی در مورد کسانی که اسلام را پذیرا شوند سپس عدول کنند فوق العاده سختگیر است و این مساله بی دلیل نیست و منافاتی هم با آزادی و اختیار و تحمیل عقیده ندارد.

توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام پیگیری و تعقیب می گردند. نظر صاحب جواهر در مورد ارتداد به نظر اکثریت فقها نزدیک است جز در مواردی که تحلیل شخصی و اجتهادی خود را ارائه می دهد و البته اگر مستند قرآنی و روایی نداشته باشد فقط به ذکر نظرات دیگران بسنده می کند. کتاب جواهر از این حیث که جامع نظرات فقهای فریقین است و جنبه استدلالی دارد در خور تحسین است. گرچه خود او با کمال تواضع متکی به مباحث کتاب شرایع الاسلام است و آنرا شرح مزجی نموده است. نکته پایانی در باره تفاوت حکم مرتد فطری با مرتد ملی است که باید گفت همانطوری که از مباحث پیشگفته هویداست در مورد مرتد ملی نوعی تخفیف قائل شده اند. به نظر می رسد فلسفه این دوگانگی از آنجاست که خطر مرتد فطری بیشتر از مرتد ملی است. مرتد فطری چون قبلا مسلمان بوده تاثیرات منفی بیشتری می تواند در جامعه و در بین مسلمانان بجای بگذارد. در صورتی که در مرتد ملی بخاطر عدم سابقه

## منابع

- عاملی(شهید اول)، محمد بن مکی الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تاریخ نشر: ۱۴۱۷ ق<sup>ه</sup>
- «عاملی، زین الدین (شهید ثانی): (الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة بیروت، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق
- فیروزآبادی ، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۲ ، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ق
- قمی ،عباس ، الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریہ، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ ش
- کلینی، محمد ، اصول کافی، ج ۵، قم، اسماعیلیان، ۱۳۵۹
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت، لبنان، ۱۳۶۲
- نوری طبرسی، میرزا حسن مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل موسسه آل البيت علیهم السلام قم ۱۴۰۷ ق
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام فرهنگ فقه فارسی، تهران، نشر، ب مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، نیاد فقه و معارف اهل بیت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- کتاب فارسی
- اردبیلی، محمد آشوری، حقوق جزای عمومی، ج ۱، نشر میزان
- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی، ج ۲ (حدود)، انتشارات میزان
- حجتی کرمانی، محمد، «ارتداد در اسلام و حقوق ایران» فصلنامه پژوهش حقوق اسلامی
- عابدی، محسن، «بررسی جایگاه ارتداد در حقوق جزای ایران» فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی
- قائمی، داود، «جرم انگاری ارتداد از منظر حقوق کیفری ایران» مجله مطالعات حقوق جزا و جرم شناسی
- قوانین
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.۱
- قانون اساسی ۲.
- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای، مهدی، انتشارات صالحی، ۱۳۷۸\*
- کتاب عربی
- ابن العربی، محمد بن عبدالله، أحكام القرآن، محقق بجادی، علی، محمد، ناشر، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۸ق
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق هارون، عبدالسلام قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق ، محمد
- ، ابن قدامه مقدسی، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد المغنی، الناشر: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق. اسلامی، ابراهیم، صاحب جواهر فقیه . جاودانه، ، سازمان تبلیغات اسلامی، چ اول ۱۳۷۳
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلافات المصلین، بی نا، بی جا، بی تا
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف، ۱۴۲۱ق
- انصاری قمی، ناصرالدین، قم، چاپ دوم، دو جلد، نشر دلیل ما، ۱۳۸۷
- انصاری، محمد علی، الموسوعة الفقهیة المیسرة، ناشر، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۲۴ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۰۴۳ق
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام ناشر، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة قم، مؤسسه النشر، الإسلامی، ۱۴۱۳ق
- خمنی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۵
- خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، اسماعیلیان، بی تا
- اخوئی سید ابوالقاسم الموسوی منهاج الصالحین الناشر : مؤسسه الخوئی الإسلامیة، ۱۴۲۴ق
- راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، ۱۴۰۰ق
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۴ق
- سبحانی تبریزی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، قم، نشر توحید، ۱۳۷۰
- سبزواری، سید عبدالاعلی مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام ، ج ۱ ، چاپ چهارم، نشر دفتر آیت الله سبزواری، ۱۴۱۶ ق
- طریحی ، فخر الدین، مجمع البحرین ، ۶ جلد، بیروت مؤسسه الوفاء، ۱۴۱۶ق

https://civilica.om/doc/۲۰۷۸۳۳۴.قضایی، تهران  
جعفری ندوشن، علی اکبر، حسن مختاری و آزاده تقی پور جاوی، «مبنای.  
:(حقوقی اهداء اعضاء بیماران مرگ مغزی «فصلنامه حقوق پزشکی (۵۵) ۹۹۳۱  
۹۶-۷۸.

حسنى، دكتر محمدحسن؛ نویسنده: جلالی، علیرضا، آسیب‌شناسی حمایت.  
کیفری از حق آزادی شخصی در حقوق کیفری ماهوی ایران، مجله مجلس و  
راهبرد، ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۷، صفحه - از ۸۷ تا ۱۱۲

سایت‌ها

https://re.majlis.ir سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱  
www.rjz.ir

https://www.ekhtebare.com سایت روزنامه رسمی سایت اختبار. ۲

سایت اطلاع رسانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی. ۳

www.makarem.ir

https://www.DSM-org

قانون تجارت. ۳

قانون مسئولیت مدنی. ۴

قانون مسئولیت مدنی. ۵

مقالات

ساریخانی، عادل میرزایی، مقدم، مرتضی قصاص مراتبی در جنایت مادون .  
نفس، مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی، رضوی ش ۹، بهار  
و تابستان ۹۴

سلیمی، صادق (۱۳۸۲) جنایات سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و -  
آثار آن فصلنامه حقوقی شماره بیست و نهم

سلیمی، صادق (۱۳۹۰) سرقت انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران.

فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۶-ی بیست و ششم

سلیمی، صادق مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری، ایران مجله کانون وکلا .

ش ۱۷۱، زمستان ۱۳۷۹

شیریان نسل، مریم و عظیمی، محسن، ۱۴۰۲، قاچاق اعضای بدن انسان در .

ایران، علت‌ها و راهکارها، هفدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و